



## تحلیل مقایسه‌ای سیاست‌های دولت در توسعه اقتصادی ایران (۱۳۹۲-۱۳۶۸) بر اساس اقتصاد مقاومتی

سجاد سعیدی<sup>۱</sup>، سید عبدالامیر نبوی<sup>۲</sup>، علی مرشدی زاد<sup>۳</sup>

### چکیده:

امروزه یکی از مؤثرترین عوامل در توسعه اقتصادی کشورها، سیاست‌های دولت‌ها است؛ به گونه‌ای که از گذشته تاکنون دولت‌ها بخش مهمی از توجه خود را به اصلاح ساختارهای اقتصادی و تحقق توسعه معطوف کرده‌اند. جمهوری اسلامی ایران نیز پس از دوران جنگ تحمیلی، در چارچوب اندیشه‌ی اقتصاد مقاومتی، مسیر توسعه اقتصادی را دنبال نموده و تلاش داشته است این الگو را در سیاست‌گذاری‌های کلان خود اجرایی سازد. پژوهش حاضر با رویکرد تطبیقی و اسنادی، در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که سیاست‌های سه دولت «سازندگی»، «اصلاحات» و «عدالت‌محوری» چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با یکدیگر داشته‌اند و این سیاست‌ها تا چه اندازه با اصول اقتصاد مقاومتی همخوانی داشته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اگرچه هر سه دولت درصدد تحقق و اجرای این اندیشه — در چارچوب رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی — برآمده‌اند، اما در عمل و با وجود همه تلاش‌ها، در اجرای صحیح و پایدار آن موفقیت چندانی نداشته‌اند. بر اساس سه شاخص کلیدی رشد اقتصادی، تورم و ضریب جینی، عملکرد اقتصادی این دولت‌ها با چالش‌های جدی مواجه بوده است؛ به گونه‌ای که نه تنها اهداف اقتصاد مقاومتی به‌طور کامل محقق نشده، بلکه پیامدهایی همچون افزایش شکاف طبقاتی و برهم خوردن توازن اجتماعی نیز در جامعه ایران به‌وجود آمده است.

**واژگان اصلی:** توسعه اقتصادی، سیاست‌های اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، آیت‌الله خامنه‌ای، جمهوری اسلامی ایران.

۱. دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

s.a.nabavi@ut.ac.ir

۱. دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

## مقدمه

امروزه اقتصاد یکی مهم‌ترین موضوعات مورد توجه حکومت‌ها می‌باشد و دولت‌ها پس از اهمیت یافتن حکمرانی اقتصادی درصدد افزایش تاثیرگذاری و توان اقتصادی خود بوده‌اند. وسعه اقتصادی ایران پس از جنگ تحمیلی، همواره تحت تأثیر رویکردهای متفاوت دولت‌ها و شرایط متغیر داخلی و بین‌المللی بوده است. سه شاخص کلیدی در ارزیابی عملکرد اقتصادی دولت‌ها عبارت‌اند از رشد اقتصادی، تورم و ضریب جینی که هر یک تصویری روشن از وضعیت تولید، ثبات اقتصادی و عدالت توزیعی در جامعه ارائه می‌کنند. بررسی این شاخص‌ها در سه دوره مهم پس از جنگ - دولت سازندگی (هاشمی رفسنجانی)، دولت اصلاحات (خاتمی) و دولت عدالت‌محوری (احمدی‌نژاد) - نشان می‌دهد که هر دولت با تکیه بر سیاست‌های اقتصادی خاص خود، نتایج متفاوتی در عرصه اقتصاد کلان ایران بر جای گذاشته است.

در دولت سازندگی، تمرکز بر بازسازی زیرساخت‌ها و رشد سرمایه‌گذاری عمرانی موجب رشد بالای اقتصادی شد، اما همزمان فشارهای تورمی شدید و افزایش نابرابری درآمدی (ضریب جینی بالا) نیز به وجود آمد. در دولت اصلاحات، رشد اقتصادی نسبتاً پایدارتر و تورم در سطحی پایین‌تر مدیریت شد، اما تغییر معناداری در بهبود عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری مشاهده نشد. در دولت احمدی‌نژاد، با وجود افزایش درآمدهای نفتی و اجرای سیاست‌های توزیعی همچون یارانه‌ها، اقتصاد با نوسانات شدید رشد، تورم‌های بالا و کاهش موقت نابرابری درآمدی روبه‌رو بود که در بلندمدت پایدار نماند.

با توجه به این روندها، پرسش اساسی این است که سیاست‌های اقتصادی این سه دولت تا چه اندازه با اصول اقتصاد مقاومتی همخوانی داشته‌اند؟ اقتصاد مقاومتی که بر پایه درون‌زایی، عدالت‌محوری، مردم‌باوری و تاب‌آوری اقتصادی تعریف می‌شود، می‌تواند چارچوبی تحلیلی برای ارزیابی عملکرد دولت‌ها در زمینه سه شاخص مذکور فراهم آورد. از سویی دیگر باید توجه داشت که اندیشه اقتصاد مقاومتی تنها معطوف به زمان ابلاغ سیاست‌های آن در بهمن ماه ۱۳۹۲ نیست، بلکه این اندیشه در نگاه رهبر انقلاب بوده است. در این مقاله سه اصل پیشرفت (متغیر رشد اقتصادی) عدالت (متغیر ضریب جینی) و ثبات (متغیر تورم) انتخاب شده‌اند و مسئله اصلی تحقیق حاضر این است که مقایسه رشد اقتصادی، تورم و ضریب جینی در سه دولت سازندگی، اصلاحات و عدالت‌محوری چه تصویری از میزان تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در ایران ارائه می‌دهد؟

## پیشینه

پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که تحلیل سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها در ایران، به ویژه در چارچوب اقتصاد مقاومتی، موضوعی گسترده و چندبعدی بوده که در مطالعات متعدد مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه مهم‌ترین مطالعات مرتبط با این موضوع بررسی می‌شوند.

سیاست‌های اقتصادی دولت هاشمی رفسنجانی (دولت سازندگی)

مطالعات حجتی و همکاران (۱۳۹۵) در کتاب «اقتصاد ایران در دوره سازندگی» نشان می‌دهد که سیاست‌های دولت هاشمی با محوریت آزادسازی اقتصادی، کاهش نقش دولت و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، رشد اقتصادی قابل توجهی ایجاد کرده است، هرچند محدودیت‌هایی در بهره‌وری و توازن اجتماعی وجود داشته است. همچنین، محمدی (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی سیاست‌های اقتصادی دولت سازندگی در پرتو اقتصاد مقاومتی» معتقد است که این دوره، زمینه‌ساز توسعه اقتصادی ایران بود، ولی برنامه‌های توسعه ساختاری به طور کامل اجرا نشد.

سیاست‌های اقتصادی دولت خاتمی (دولت اصلاحات)

اسدی و کاظمی (۱۳۹۸) در مقاله «تحلیل سیاست‌های اقتصادی دولت اصلاحات» تأکید کرده‌اند که تمرکز بر سرمایه انسانی، بهبود محیط کسب و کار و توسعه زیرساخت‌ها نقش مهمی در رشد اقتصادی داشته است، هرچند فشار تحریم‌ها و محدودیت‌های نهادی مانع تحقق کامل اهداف شده‌اند. همچنین، کرمی (۱۳۹۶) در کتاب «اقتصاد سیاسی ایران» تحلیل می‌کند که دولت خاتمی تلاش کرد با ایجاد اصلاحات ساختاری، سیاست‌های توسعه‌محور را پیش ببرد، اما به دلیل مقاومت نهادی و موانع بین‌المللی، دستاوردهای اقتصادی محدود بوده است.

سیاست‌های اقتصادی دولت احمدی‌نژاد (دولت عدالت‌محوری)

گزارش بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که سیاست‌های این دولت بیشتر بر توسعه مصرف داخلی و افزایش درآمدهای نفتی متمرکز بود. نوری و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی آثار اقتصادی سیاست‌های دولت احمدی‌نژاد» اظهار داشته‌اند که این رویکرد منجر به تورم بالا و کاهش بهره‌وری شد. همچنین، حسینی (۱۳۹۷) در کتاب «اقتصاد مقاومتی و چالش‌های توسعه اقتصادی» اشاره می‌کند که سیاست‌های دولت احمدی‌نژاد، هرچند در راستای اقتصاد مقاومتی بود، اما به دلیل عدم تمرکز بر اصلاحات ساختاری و مدیریت پایدار، نتایج پایدار اقتصادی به دنبال نداشت.

### پژوهش‌های جدید درباره اقتصاد مقاومتی

رضایی (۱۴۰۰) در مقاله «تحلیل تطبیقی سیاست‌های اقتصادی دولت‌های اخیر ایران» تأکید کرده است که تمرکز بر تولید داخلی، ارتقاء فناوری و کاهش واردات از شاخصه‌های مهم این سیاست‌ها بوده است، هرچند چالش‌های ساختاری و تحریم‌ها همچنان مانع تحقق کامل اهداف اقتصاد مقاومتی هستند. علی‌زاده و همکاران (۱۴۰۱) در کتاب «اقتصاد مقاومتی: نظریه و سیاست» نیز بر ضرورت طراحی سیاست‌های اقتصادی با رویکرد بلندمدت و توجه به تاب‌آوری اقتصادی تأکید دارند.

#### بیان تفاوت پژوهش حاضر با پیشینه مطالعات

پژوهش حاضر با رویکرد تطبیقی و اسنادی، سیاست‌های سه دولت «سازندگی»، «اصلاحات» و «عدالت‌محوری» را در چارچوب اقتصاد مقاومتی بررسی می‌کند. در حالی که بیشتر پژوهش‌های گذشته به تحلیل تک‌بعدی یا موردی پرداخته‌اند، این تحقیق به بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های سیاست‌های اقتصادی این سه دولت پرداخته و ارزیابی می‌کند که تا چه میزان با اصول اقتصاد مقاومتی همخوانی داشته‌اند.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اگرچه هر سه دولت درصدد تحقق و اجرای این اندیشه، در چارچوب رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی برآمده‌اند، اما در عمل و با وجود همه تلاش‌ها، در اجرای صحیح و پایدار آن موفقیت‌چندانی نداشته‌اند. بر اساس سه شاخص کلیدی رشد اقتصادی، تورم و ضریب جینی، عملکرد اقتصادی این دولت‌ها با چالش‌های جدی مواجه بوده است؛ به گونه‌ای که نه تنها اهداف اقتصاد مقاومتی به‌طور کامل محقق نشده، بلکه پیامدهایی همچون افزایش شکاف طبقاتی و برهم خوردن توازن اجتماعی نیز در جامعه ایران به‌وجود آمده است.

#### جدول شماره ۱- بررسی پیشینه تحقیق و بیان تمایز با مقاله حاضر

نویسنده / سال	عنوان مقاله / کتاب	موضوع تحقیق	یافته‌ها	تفاوت با پژوهش حاضر
حجتی و همکاران (۱۳۹۵)	اقتصاد ایران در دوره سازندگی	سیاست‌های اقتصادی دولت هاشمی	رشد اقتصادی با تمرکز بر آزادسازی و سرمایه‌گذاری	تمرکز تک‌بعدی بر دولت سازندگی
محمدی (۱۳۹۴)	بررسی سیاست‌های اقتصادی دولت سازندگی در پرتو اقتصاد مقاومتی	سیاست‌های اقتصادی دولت هاشمی	زمینه‌ساز توسعه اقتصادی، اما ناکافی بودن اجرای ساختارها	تحلیل تطبیقی ندارد

اسدی و کاظمی (۱۳۹۸)	تحلیل سیاست‌های اقتصادی دولت اصلاحات	دولت خاتمی	سرمایه انسانی و توسعه زیرساخت‌ها، محدودیت‌های نهادی	تحلیل دولت اصلاحات تنها
کریمی (۱۳۹۶)	اقتصاد سیاسی ایران	اصلاحات ساختاری	تلاش برای اصلاح، موانع بین‌المللی	بدون رویکرد اقتصاد مقاومتی
نوری و همکاران (۱۳۹۳)	بررسی آثار اقتصادی سیاست‌های دولت احمدی‌نژاد	دولت احمدی‌نژاد	تورم بالا، کاهش بهره‌وری	بدون تحلیل مقایسه‌ای
رضایی (۱۴۰۰)	تحلیل تطبیقی سیاست‌های اقتصادی دولت‌های اخیر ایران	دولت روحانی و رئوسی	تمرکز بر تولید داخلی، چالش‌های ساختاری	بررسی دولت‌های متفاوت، نه سه دولت اصلی
علی‌زاده و همکاران (۱۴۰۱)	اقتصاد مقاومتی: نظریه و سیاست	اقتصاد مقاومتی	ضرورت سیاست بلندمدت	کلی و بدون تحلیل تطبیقی
پژوهش حاضر	تحلیل مقایسه‌ای سیاست‌های دولت در توسعه اقتصادی ایران بر اساس اقتصاد مقاومتی	دولت‌های سازندگی، اصلاحات و عدالت‌محوری	تفاوت‌ها و شباهت‌ها، میزان همخوانی با اقتصاد مقاومتی	تحلیل تطبیقی جامع و ارزیابی سه دولت با سه شاخص کلیدی

### روش

به طور مشخص، از دهه ۱۹۵۰ شاهد ۴ تحول در سیاست مقایسه‌ای هستیم که عبارتند از دقت بیشتر در طرح پژوهشی، حرکت از مقایسه نهادها به سوی مقایسه فرایندها و سپس به سوی مقایسه سیاست‌ها، افول در مطالعات کمی، و پاسخ به چالش‌های جهانی شدن است. مطالعات مقایسه‌ای در نیمه نخست قرن بیستم بر نهادهای دولت متمرکز بود بسیاری از این مطالعات دارای گرایش‌های قانونی بودند در دهه ۱۹۶۰ هرچند تعداد قابل توجهی از مطالعات نهادی مقایسه‌ای وجود داشت اما تا حدودی به دلیل انقلاب رفتاری توجه از نهادهای رسمی به سوی فرایندهای سیاسی کشیده شد. روش مقایسه‌ای ابزاری ضروری برای پژوهش در سیاست است (چیکوت، ۱۳۹۴: ۱۲۸). در مقاله حاضر، به مطالعه تطبیقی سیاست‌های دولت در سه دوره سازندگی، اصلاحات و عدالت‌محور با شاخصه‌های رشد اقتصادی، تورم و ضریب جینی در چارچوب اندیشه اقتصاد مقاومتی خواهیم پرداخت. در این اثر پس از تبیین اندیشه اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب از یک سو، به بحث و بررسی سیاست‌های دولت‌ها می‌پردازیم.

## چارچوب نظری

### توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی به عنوان فرآیندی چندبعدی شامل رشد تولید ناخالص داخلی، بهبود توزیع درآمد، ارتقاء سطح رفاه عمومی و افزایش ظرفیت نهادی شناخته می‌شود (سن، ۱۹۹۹؛ توماس و لوین، ۲۰۰۱). نظریه‌های توسعه اقتصادی که در منابع کلاسیک و نوین بررسی شده‌اند (سولوف، ۱۹۵۶؛ ریکاردو، ۱۸۱۷)، لزوم هماهنگی بین رشد اقتصادی و پایداری اجتماعی را برجسته می‌کنند (اسنودگرس، ۲۰۰۵). در ایران، توجه به استقلال اقتصادی و مقابله با وابستگی به منابع نفتی، محور اصلی نظریه‌های توسعه بومی محسوب می‌شود (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۶).

### اقتصاد سیاسی

پیشرفت دانش بشری موجب شناخت بهتر از ارتباط درونی پدیده‌های اقتصادی اجتماعی و فرایندهای سیاسی گردید که در نهایت موجب استفاده از رویکردی به نام «اقتصاد سیاسی» شد. بنابراین اقتصاد سیاسی را می‌توان نگرشی چند پایه به اقتصاد و مسائل آن دانست (سیف، ۱۳۷۶: ۷)؛ به بیان دیگر اقتصاد سیاسی ناشی از روابط میان قدرت نیروهای جهانی و سرمایه‌داری جهانی است به نظر گیلپین اقتصاد سیاسی زاده وجود موازی و کنش متقابل دولت و بازار در جهان امروز است بدون دولت و بازار اقتصاد سیاسی وجود نخواهد داشت (گیلپین، ۱۳۷۸: ۲۰۱). در واقع رویکرد اقتصاد سیاسی معتقد است که اقتصاد یک محصول اجتماعی است و از این رو نحوه تاثیر تصمیمات سیاسی بر تخصیص منابع اقتصادی و بالعکس و نحوه تاثیر ملاحظیات اقتصادی ائتلاف‌ها و صف‌بندی‌های سیاسی در این رویکرد مورد مطالعه قرار می‌گیرد به علاوه رویکرد اقتصاد سیاسی به مطالعه سیاست‌های عمومی دولت به معنای چگونگی تخصیص منابع مالی درون جامعه نحوه اتخاذ سیاست‌های استخراجی و تاثیرات سیاسی احتمالی این تصمیمات می‌پردازد بر این اساس می‌توان گفت: بسیاری از امور اقتصادی دولت مانند سیاست مالیاتی سیاست رفاهی و از این قبیل که به هر جهت واکنش‌هایی مثبت یا منفی در جامعه سیاسی در پی دارد، در حیطه مطالعاتی رویکرد اقتصاد سیاسی قرار می‌گیرد؛ همچنین مهم‌ترین خصوصیت اقتصاد سیاسی انتقادی بودن آن است که نه تنها به پژوهشگر در تبیین هرچه جامع‌تر مسائل منطقه و کشور کمک می‌کند، بلکه به او یاری می‌دهد تا ورای مسائل فکر کرده و به دنبال راهکارهایی برای تغییر آن باشد (هزاوئی و همکار، ۱۳۹۳: ۱۲).

### اقتصاد در اندیشه آیت الله خامنه ای

اندیشه اقتصادی آیت الله خامنه‌ای اندیشه نظاممند منطقی مبتنی بر مبانی و اصول و آموزه‌های اسلامی است ایشان همچون یک نظریه پرداز مولف و محقق درصدد بیان منظومه فکری خود در اقتصاد بوده است ولی می‌توان با استفاده از روش‌های مختلف به آن دست پیدا کرد (میرمعزی و همکار، ۱۴۰۳: ۳). اندیشه اقتصادی ایشان، بر اقتصاد مقاومتی استوار است که بر خودکفایی، استحکام در برابر تکانه‌های جهانی و استقلال اقتصادی تأکید دارد و همچنین در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز در بیان راه حل، به اقتصاد مقاومتی اشاره می‌کنند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۷) تأکید رهبر انقلاب در این بیانیه ناشی از اهمیت بسیار زیاد اقتصاد مقاومتی می‌باشد.

### اقتصاد مقاومتی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، که دشمن استعمارگر دست منافع خود را از ایران کوتاه می‌دید، اقدام به راه انداختن جنگ بر علیه جمهوری اسلامی ایران تازه تأسیس نمود. این جنگ در عرصه‌های مختلف طراحی و به اجرا درآمد. یکی از این عرصه‌ها جنگ اقتصادی است. اقتصادی خوداتکا، مستحکم و قدرتمند است که در برابر فشارهای اقتصادی جهان تاب مقاومت می‌کند. رهبر انقلاب اسلامی درباره این جنگ می‌گویند: «این جنگ یک جاهایی جنبه‌ی وحشیانه و کینه‌ورزانه می‌گیرد؛ مثل جنگی که با ما در زمینه‌ی اقتصاد دارد میشود، که این تحریم‌ها دیگر جنبه‌ی کینه‌ورزانه و جنایت‌آلود به خودش گرفته؛ البته تحریم از اوّل انقلاب بود، [اما] در این ده سال اخیر طبعاً شدت بیشتری پیدا کرده؛ و این تحریم فعلاً خواهد بود؛ اینکه کسی امید ببندد به اینکه حالا یک سال دیگر، دو سال دیگر این تحریم تمام میشود، خیال باطل است، این را من به شما عرض بکنم. با آشنایی‌ای که با مسائل این جبهه ما داریم، آنچه بنده میفهمم، این تحریم حالا حالاها هست، باید باشد و خواهد بود. ما برای نجات اقتصاد کشور، چشمان را، امیدمان را نبندیم به اینکه حالا کی بشود این تحریم برداشته بشود یا این شخص نباشد یا آن جمع نباشد یا این کشور چنین بکند، نه؛ اینها تأثیری ندارد، این تحریم هست. حالا البته یک زرنگی‌هایی بعضی میکنند، تحریم را دور میزنند، خیلی هم خوب است، عیبی ندارد، دستشان درد نکند اما کار اساسی مصون‌سازی اقتصاد کشور از آسیب دیدن از تحریم است؛ کار اساسی این است. دور زدن تحریم یک تاکتیک است، مصون‌سازی کشور در مقابل تحریم، یک راهبرد است، باید این کار را کرد، باید کاری کرد که ما در مقابل تحریم آسیب‌پذیر نباشیم. الان این جور نیست، الان اقتصاد ما متکی به نفت است؛ حالا خوشبختانه با تحریم نفت، یک خرده کمتر شده، ترکیب تراز بازرگانی فرق کرده اما علی‌الاصول اقتصاد ما متکی به نفت

است (حسینی خامنه ای، ۱۳۹۸). با بررسی بیانات مقام معظم رهبری می‌توان این تعریف را از اقتصاد مقاومتی ارائه نمود: «اقتصاد مقاومتی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی و الگویی الهام بخش از نظام اقتصادی اسلام است که ضمن مقاوم سازی اقتصاد در برابر تهدیدهای نظام سلطه، تضمین کننده رشد و شکوفایی اقتصادی می‌باشد؛ این نوع اقتصاد، مردم بنیاد، عدالت محور، دانش بنیان، درون زا و برون گرا، پیشرو، فرصت ساز، مولد با رویکرد جهادی و انعطاف پذیر است» (یوسفی، ۱۳۹۵: ۲۱-۲۲).

اقتصاد مقاومتی بر پایه چند اصل کلیدی بنا شده است که در بیانیه مقام معظم رهبری (۱۳۹۲) و تحلیل‌های دکتر احمدی (۱۳۹۴)، خوداتکایی و کاهش وابستگی به منابع خارجی، تنوع بخشی اقتصادی، بهره‌وری بالا و استفاده بهینه از منابع، پایداری و عدالت اجتماعی، تقویت بخش‌های تولیدی و صنعتی داخلی، توسعه فناوری و نوآوری و مقاومت در برابر شوک‌های اقتصادی و تحریم‌ها مطرح شده است.

### شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی

۲۷ شاخص کلیدی از شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی از منظر رهبر معظم انقلاب احصا شد که عبارت‌اند از: دانش محوری، اصلاح الگوی مصرف، امنیت اقلام راهبردی و اساسی، کاهش وابستگی به نفت، تبلیغات، تکیه بر تولید ملی، ریشه‌کنی فقر، ایجاد تراز اقتصادی مثبت، حاکمیت قانون، مبارزه با رکود اقتصادی، خصوصی سازی، خودکفایی در محصولات کشاورزی، استحصال از معادن به دور از خام فروشی، فعال شدن شرکت‌های دانش بنیان، تنقیح قوانین اقتصادی، اعتماد به نفس ملی، مدیریت مصرف، کاهش فاصله طبقاتی، مصرف‌زدگی، اسراف، نکوهش تجمل گرایی، قناعت، ارج دهی فرهنگ کار، ایجاد زنجیره تولید علم، علم گرایی، ایجاد فضای آرامش برای نخبگان، و حمایت از نخبگان (اسفندیارصفا و همکار، ۱۳۹۵).

در این مقاله پس از بررسی سیاست‌های کلان سه دولت سازندگی، اصلاحات و عدالت محور به بحث پیرامون وضعیت سه شاخص رشد اقتصادی، تورم و ضریب جینی می‌پردازیم و هر سه دولت را بر اساس این سه شاخص مورد مطالعه و مذاقه قرار خواهیم داد؛ در پایان نیز سیاست‌های کلی و سه شاخصه مذکور دولت‌ها را با برخی از مهم‌ترین شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی تطبیق می‌دهیم. از جمله مهم‌ترین شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی می‌توان به کاهش وابستگی به نفت، دانش محوری، تکیه بر تولید ملی، ریشه‌کنی فقر، خصوصی سازی، فعال شدن شرکت‌های دانش بنیان، کاهش فاصله طبقاتی و حمایت از نخبگان اشاره نمود.

سیاست های اقتصادی دولت سازندگی

### سیاست های کلی اقتصادی

با روی کار آمدن اکبر هاشمی رفسنجانی مقطع دوم زمانی تحولات اقتصادی و سیاسی در جمهوری اسلامی ایران آغاز گردید. از لحاظ سیر تاریخی طبیعی بود که پس از پایان جنگ، زمان بازسازی و سازندگی خطاب شود اما نکته اساسی در این بود که یک سری تجدید نظر طلبی های ایدئولوژیک که ناشی از کنار گذاردن تفکرات انقلابی سال ۱۳۵۷ که تا آخر جنگ هم تداوم یافته بود، خویش را نشان می داد. دولت جدید با تیم آقای هاشمی رفسنجانی به دنبال درهای باز اقتصادی و آزاد سازی آن بود. در زمان مدیریت رفسنجانی اولین و دومین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تصویب رسید. مهم ترین موضوعات این دو برنامه را می توان به مباحثی نظیر: رها سازی قیمت ها در پس تعدیل یارانه های اختصاصی دولت دوران جنگ، آزاد سازی فعالیت ها، خصوصی سازی شرکت های بخش عمومی، شناور سازی نرخ ارز و نهایتاً تک نرخی شدن آن، آزاد سازی واردات و اجرای سیاست درهای باز، تشویق سرمایه گذاری خصوصاً بخش سرمایه گذاری خارجی، استقرار و گرفتن وام از برخی از نهادهای بین المللی و کشورهای غربی اشاره نمود (حاجی هاشمی، ۱۳۹۰: ۲۰-۲۲). با پایان جنگ و آغاز دوران جدید در کشور، مسئولان از یک سو بر لزوم بازسازی ویرانی های ناشی از جنگ و از سوی دیگر بر اهمیت پیشبرد توسعه کشور بر اساس الگوهای متناسب با ارزش های اسلامی و همچنین ضرورت تحول و بازسازی اقتصادی تأکید کردند. بحث درباره سیاست های بازسازی در شرایطی مطرح شد که اقتصاد کشور با چالش های جدی ناشی از خسارت های گسترده جنگ و پیامدهای سیاست های اقتصادی دوران جنگ و فشارهای ناشی از تحریم های شدید اقتصادی آمریکا مواجه بود. این وضعیت منجر به کاهش شدید درآمدهای ارزی و ریالی دولت، افزایش کسری بودجه و استقرار دولت از بانک مرکزی، کاهش تولید ناخالص داخلی، افزایش حجم نقدینگی و تورم، نوسانات قیمت ها، ایجاد سیستم چند نرخی ارز، افزایش فاصله طبقاتی، بدتر شدن توزیع درآمد و رشد بی رویه جمعیت گردید. پس از پایان جنگ ایران و عراق، بازسازی و توسعه اقتصادی به یک توافق عمومی میان مسئولان کشور تبدیل شد. بسیاری از افرادی که در دوران جنگ مسئولیت های اقتصادی را بر عهده داشتند، خواستار تغییر و بازنگری در سیاست های اقتصادی آن دوران شدند. با توجه به فراهم شدن شرایط مناسب، برنامه ریزی برای تدوین برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آغاز گردید. در این سال ها، اولین اقدام

مجلس و دولت، تهیه این برنامه بود که تلاش شد تا توسعه کشور با توجه به شرایط جدید و ارزش‌های انقلابی اسلامی همسو گردد. با این حال، در فرآیند تدوین برنامه، وجود دیدگاه‌های مختلف به وضوح مشهود بود. این برنامه بر ضرورت تجدید نظر در سیاست‌های اقتصادی دوران جنگ تأکید داشت و به منظور افزایش رشد تولید و حل مشکلات اقتصادی کشور، بر لزوم تعدیل زیرساخت‌های اقتصادی، آزادسازی اقتصادی، کاهش کنترل‌ها و تصدی‌گری دولت و در نهایت خصوصی‌سازی اقتصاد تأکید می‌کرد (فوزی، ۱۳۹۵: ۱۲-۱۱).

در یک نگاه کلی، می‌توان گفت که توسعه اجتماعی مورد نظر در این دوره تاریخی، به معنای حمایت از افزایش تولید و تنوع فرهنگی است، در حالی که هویت ایرانی اسلامی حفظ می‌شود. این توسعه همچنین شامل اعتقاد به تبادل فرهنگی و اجتماعی، افزایش فرصت‌های مشارکت در زندگی اجتماعی و فرهنگی، و گسترش فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی در چارچوب نهاد‌های نوین است و با انحصار این فعالیت‌ها در نهاد‌های سنتی جامعه مخالفت می‌کند (میرسلیم، ۱۳۸۴: ۲۸۰). به همین دلیل، در برنامه اول توسعه از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲، رشد اقتصادی به عنوان یکی از نیازهای اساسی توسعه ملی مطرح شد و سیاست‌های اقتصادی به منظور افزایش تولید در اولویت قرار گرفت. با توجه به رشد سریع جمعیت در دهه اول انقلاب، موضوع جمعیت به عنوان یک عامل کلیدی در کاهش میزان توسعه و افزایش هزینه‌های دولت مورد توجه قرار گرفت. از این رو، در این برنامه با در نظر گرفتن شاخص‌های توسعه اجتماعی، سیاست‌های خاصی برای تغییر در نظام اجتماعی و به تبع آن نهاد خانواده و همچنین کنترل و کاهش جمعیت، با توجه به ویژگی‌های برنامه اول که بر محور رشد اقتصادی و توسعه روزافزون متمرکز بود، به مرحله اجرا درآمد. اهداف کلیدی برنامه اول توسعه شامل ایجاد تحرک در سرمایه‌گذاری برای اشتغال مولد، رشد اقتصادی با تمرکز بر کاهش وابستگی، کاهش نرخ رشد جمعیت و مرگ و میر، افزایش نرخ باسوادی و پوشش تحصیلی، بازسازی و نوسازی بنیه دفاعی، و همچنین بهبود ظرفیت‌های تولیدی و زیرساخت‌های آسیب‌دیده و سازماندهی فضایی و توزیع جغرافیایی جمعیت می‌باشد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۲). خصوصی‌سازی و برنامه‌های تعدیل اقتصادی تأثیرات قابل توجهی بر فرهنگ و تحولات اجتماعی به ویژه در زمینه ارزش‌ها و خانواده داشته‌اند. به گونه‌ای که پیش از دوره سازندگی، توده‌گرایی و صرفه‌جویی مورد تشویق قرار می‌گرفت، اما با آغاز برنامه‌های این دولت اقتصادی، فرهنگ مصرف‌گرایی در جامعه گسترش یافت. در این میان، مهم‌ترین تغییر ارزشی، انتقال از ارزش‌های معنوی و فرامادی به سمت ارزش‌های مادی و دنیوی

بود (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۱۵۰). تساهل و تسامح دولت در زمینه‌های فرهنگی و هنری و ترویج سبک زندگی غربی به طور تدریجی از طریق رسانه‌های عمومی موجب شد که فرهنگ مصرف‌گرایی و تجمل در جامعه به وضوح نمایان شود (رایت، ۱۳۸۲: ۱۲۲). با بررسی برنامه‌های توسعه اول و دوم جمهوری اسلامی ایران و لوايح مرتبط با آنها، به وضوح مشخص می‌شود که دولت سازندگی در ۱۶ مورد به انجام اصلاحات اقتصادی مطابق با سیاست تعدیل ساختاری پرداخته است که شامل: آزادسازی اقتصادی، اصلاح ساختار اقتصاد دولتی، اصلاح ساختار اداری و خدماتی مالی و بانکی، فعال سازی و بازسازی بازار بورس تهران، ایجاد مناطق آزاد تجاری در نقاط مختلف کشور، کاهش ارزش ریال، کاهش تدریجی یارانه‌ها، برگرداندن متخصصین و سرمایه‌های ایران، آزادسازی تجارت خارجی و جهت دهی آن به سوی بخش خصوصی، توسعه همکاری ایران با سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی، فعال سازی بخش معادن، خصوصی سازی صنایع سنگین، اصلاح نظام مالیاتی، تشویق سرمایه‌گذاری‌های خارجی در اقتصاد داخلی می باشد (شیرعلی، ۱۳۹۹: ۱۷-۱۴).

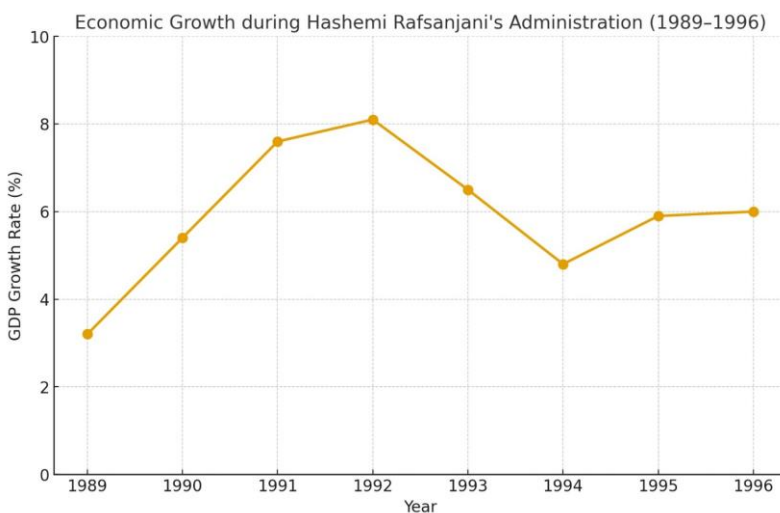
#### جدول شماره ۲- بررسی سیاست های اقتصادی دولت هاشمی

حوزه سیاست اقتصادی	اقدامات و ابزارها	نتایج و پیامدها
سیاست‌های کلی اقتصادی	تدوین و اجرای برنامه‌های اول و دوم توسعه، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، آزادسازی نسبی اقتصاد	رشد اقتصادی بالا در سال‌های اولیه، تقویت بخش‌های صنعتی و زیرساختی، وابستگی به نفت
سیاست‌های مالی و بودجه‌ای	سرمایه‌گذاری در پروژه‌های عمرانی، اصلاح نظام مالیاتی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی	رشد بودجه عمرانی، افزایش درآمد دولت، کسری بودجه در سال‌های پایانی
سیاست‌های پولی و بانکی	اصلاح ساختار بانکی، کاهش نرخ تورم، افزایش تسهیلات بانکی	کاهش نسبی تورم، افزایش نقدینگی، مشکلات نظام بانکی
سیاست‌های اشتغال و تولید داخلی	حمایت از صنایع مادر، ایجاد طرح‌های تولیدی بزرگ، جذب سرمایه‌گذاری خارجی	رشد اشتغال، تقویت بخش صنعتی، وابستگی به واردات تجهیزات و فناوری
سیاست‌های رفاهی و عدالت توزیعی	پروژه‌های بزرگ عمرانی در مناطق محروم، افزایش دسترسی به خدمات عمومی	کاهش شکاف منطقه‌ای، بهبود شاخص‌های رفاهی، نیاز به بهبود پایداری برنامه‌ها
سیاست‌های اقتصادی کلان	تمرکز بر تولید ملی، توسعه صنایع و زیرساخت، مدیریت منابع ارزی	رشد اقتصادی نسبی، وابستگی به نفت و سرمایه‌گذاری خارجی، ضعف در تثبیت اقتصاد بلندمدت

## رشد اقتصادی در دولت هاشمی

دولت سازندگی که از سال ۱۳۳۸ پس از پایان جنگ تحمیلی آغاز شد، تمرکز اصلی خود را بر بازسازی اقتصاد ایران و رشد اقتصادی قرار داد. هدف اصلی این دولت، جبران خسارت‌های ناشی از جنگ و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای توسعه اقتصادی بود. برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۳۸-۱۳۷۲) این اهداف را به وضوح منعکس کرد و سیاست‌هایی همچون سرمایه‌گذاری گسترده در بخش‌های زیرساختی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و خصوصی‌سازی نسبی در دستور کار قرار گرفت. آمارهای اقتصادی متعدد نشان می‌دهد که در این دوره، رشد اقتصادی ایران به طور میانگین حدود ۶ درصد سالانه بوده است (عباسی و حسینی، ۱۳۷۵). این رشد عمدتاً ناشی از افزایش تولید بخش‌های صنعت و ساختمان، توسعه شبکه‌های حمل‌ونقل و انرژی و نیز بهبود فضای کسب‌وکار بود. با این حال، رشد اقتصادی این دوره همراه با مشکلاتی نظیر وابستگی به درآمدهای نفتی و واردات تکنولوژی بود که ریسک آسیب‌پذیری اقتصاد در برابر نوسانات قیمت نفت را افزایش می‌داد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۷۳). همچنین، رشد اقتصادی دولت سازندگی با بهبود نسبی شاخص‌های اشتغال و افزایش سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی همراه بود، اما ضعف در مدیریت منابع و برخی نارسایی‌های نهادی، مانع از بهره‌وری کامل این رشد شد (نوری، ۱۳۷۶).

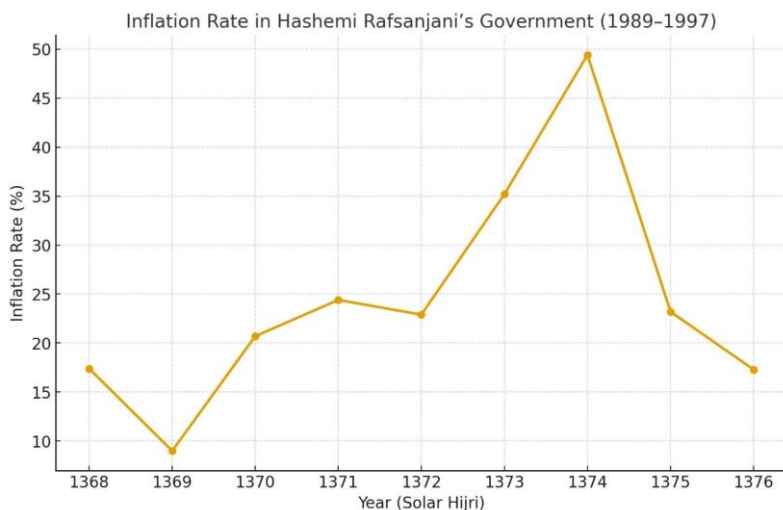
### نمودار شماره ۱- بررسی رشد اقتصادی در دولت هاشمی



## تورم در دولت هاشمی

به طور کلی، نرخ تورم در این دوره بالا بوده و به ویژه در سال‌های ۷۳ و ۷۴ شاهد تورم‌های ۳۵ و ۴۹ درصدی هستیم. در اکثر سال‌ها، تورم به صورت خزنده وجود داشته و در برخی سال‌ها نیز شدت بیشتری داشته است. یکی از دلایل اصلی این تورم، افزایش نقدینگی در کشور بوده است. همچنین، افزایش ارزش ریالی دلار در بازار آزاد در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ نیز به عنوان یکی از عوامل مؤثر در تورم شدید این دو سال مطرح می‌شود. در سال ۱۳۷۳، ارزش ریالی دلار در بازار غیررسمی از ۱۸۰۶ ریال به ۲۶۳۵ ریال افزایش یافت و در سال ۱۳۷۴، این مقدار به ۴۰۳۶ ریال رسید که این امر منجر به افزایش قیمت کالاها و خدمات وارداتی و در نتیجه افزایش تورم گردید (خرم نصر، ۱۳۸۹: ۳۳۹).

### نمودار شماره ۲- بررسی وضعیت تورم در دولت هاشمی رفسنجانی

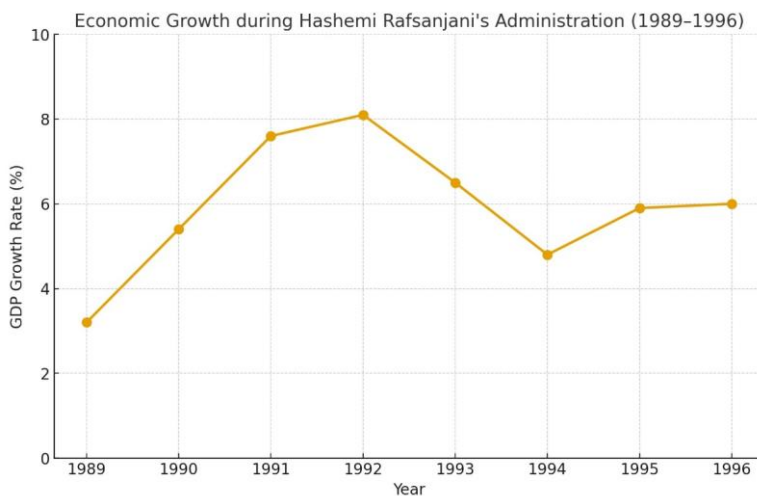


## ضریب جینی در دولت هاشمی

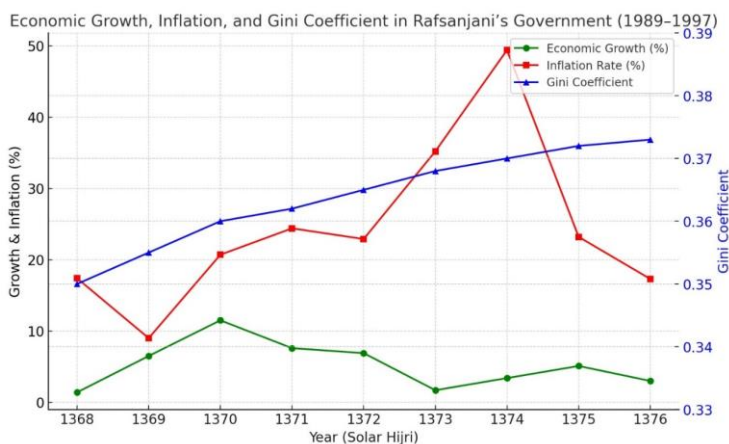
ضریب جینی که به عنوان شاخصی برای سنجش میزان نابرابری درآمد در جامعه استفاده می‌شود، در دوره دولت سازندگی در ایران تغییرات قابل توجهی را تجربه کرد. بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران و مطالعات پژوهشی، در این دوره ضریب جینی نسبتاً ثابت اما با روندی ملایم افزایش همراه بود. مطالعاتی مانند تحقیق «نوری و رضایی» (۱۳۷۵) نشان می‌دهد که ضریب جینی در اوایل دهه ۷۰ خورشیدی حدود ۰,۳۵ تا ۰,۳۷ بوده است که بیانگر نابرابری متوسط در توزیع درآمد بود. افزایش نابرابری در این دوره تا حدی ناشی از تمرکز سرمایه‌گذاری‌ها در بخش‌های

صنعتی و زیرساختی کلان بود که عمدتاً به نفع قشرهای خاصی از جامعه تمام می‌شد و توزیع درآمد عادلانه‌ای ایجاد نمی‌کرد (نوری و رضایی، ۱۳۷۵). همچنین گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۷۳) حاکی است که گرچه رشد اقتصادی قابل توجهی رخ داده بود، اما کاهش فقر و بهبود توزیع درآمد چندان چشمگیر نبود. برخی عوامل مانند ساختار اقتصادی مبتنی بر نفت و عدم توسعه بخش کشاورزی و بنگاه‌های کوچک، موجب حفظ نابرابری نسبی درآمد شده در مجموع، دولت‌سازندگی موفق به ایجاد رشد اقتصادی و بازسازی شد ولی آثار آن در کاهش نابرابری و ضریب جینی به صورت محسوس دیده نمی‌شد.

### نمودار شماره ۴- بررسی ضریب جینی در دولت هاشمی رفسنجانی



### نمودار شماره ۳- بررسی وضعیت رشد اقتصادی، توروم و ضریب جینی در دولت هاشمی رفسنجانی



## سیاست های اقتصادی دولت اصلاحات

### سیاست های کلی اقتصادی

در سال ۱۳۷۶ آقای سید محمد خاتمی با گفتمان اصلاحات سکان دار دولت گردید؛ آقای خاتمی تیم اجرایی خود را بیش از آنکه بر مبنای مولفه های اقتصادی بنیان نهد، بیشتر بر فراز تحولات سیاسی قرار داد. فارغ از تمایلات شخصی و جناحی، به طور کلی دلایلی چند در آن تأثیر گذار و دخیل بود که خاتمی ترجیحات اصلاح سیاسی را بر اصلاح اقتصادی قرار دهد. از نظر برخی کارشناسان اهم موفقیت برنامه های خاتمی بیش از آنکه مقوله های اقتصاد مدار باشد، بافتی اداری و سیاسی دارد، اما به طور کلی عمده آنها بدین قرار است: ۱- استفاده از برخی مولفه های سیاسی همچون گفتگوی تمدن ها و تنش زدایی در عرصه سیاست خارجی و نتیجتاً ایجاد برخی گشایش ها ی اقتصادی همچون رشد سرمایه گذاری خارجی، ۲- تدوین برنامه سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۳- تشکیل حساب صندوق ذخیره ارزی، تأسیس بانک های خصوصی، ممنوعیت استقراض دولت از بانک مرکزی، تثبیت نرخ ارز و اجرای قانون سرمایه گذاری خارجی، گسترش بورس های منطقه ای و تأسیس بورس فلزات و کشاورزی، تدوین سند چشم انداز افق ۱۴۰۴. از سوی دیگر با توجه به عدم وجود یک ایده و نظریه مشخص در پیشبرد امور اقتصادی و ترکیب ناهمسان و ناهمگون تیم مثلث اقتصادی و اختلاف نظرهای تئوریک آنها با یکدیگر و نهایتاً تغییرات مدیریتی پی در پی، دو رئیس بانک مرکزی، سه وزیر اقتصاد و چند رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی موجبات عدم پیشرفت اقتصادی را فراهم نمود؛ ادامه پرداخت یارانه ها و ناتوانی در حذف یا قاعده مند سازی آن، عدم توفیق در آزاد سازی اقتصادی و کاهش ارزش پول ملی مشکلاتی را برای کشور فراهم آورده بود(حاجی هاشمی، ۱۳۹۰: ۲۳-۲۵).

#### جدول شماره ۳- بررسی سیاست های اقتصادی دولت اصلاحات

حوزه سیاست اقتصادی	اقدامات و ابزارها	نتایج و پیامدها
سیاست های کلی اقتصادی	تدوین و اجرای برنامه سوم توسعه، گسترش روابط اقتصادی خارجی، سیاست های خصوصی سازی	رشد اقتصادی مثبت در اکثر سالها، تقویت بخش خصوصی، وابستگی نسبی به نفت
سیاست های مالی و بودجه ای	اصلاح ساختار بودجه، توسعه مالیات ستانی، جذب سرمایه گذاری خارجی	کاهش کسری بودجه نسبت به دولت هاشمی، بهبود منابع دولت، فشار بر بخش مالیاتی

سیاست‌های پولی و بانکی	اصلاح ساختار بانکی، مدیریت نرخ سود، کنترل تورم	تورم کنترل‌شده‌تر نسبت به دولت هاشمی، ثبات نسبی پول ملی، نقدینگی بالا
سیاست‌های اشتغال و تولید داخلی	حمایت از بخش خصوصی، توسعه صنایع کوچک و متوسط، تقویت صادرات غیرنفتی	رشد اشتغال نسبی، تقویت صنایع داخلی، ضعف در تحقق کامل خوداتکایی
سیاست‌های رفاهی و عدالت توزیعی	طرح‌های توسعه منطقه‌ای، افزایش دسترسی به خدمات اجتماعی، گسترش رفاه اجتماعی	کاهش شکاف منطقه‌ای و درآمدی، بهبود شاخص‌های رفاه، ناپایداری در توزیع منابع
سیاست‌های اقتصادی کلان	تدوین برنامه سوم توسعه، اصلاح ساختار اقتصادی، توسعه صادرات غیرنفتی	رشد اقتصادی مثبت، کاهش نسبی وابستگی به نفت، محدودیت در جذب سرمایه‌گذاری بلندمدت

### رشد اقتصادی در دولت خاتمی

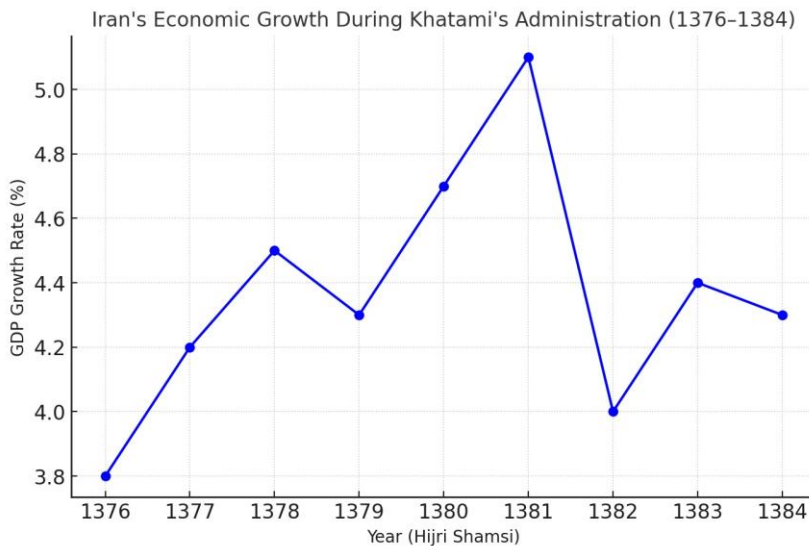
در دوره دولت سید محمد خاتمی (۱۳۷۶-۱۳۸۴)، اقتصاد ایران شاهد ثبات نسبی و رشد اقتصادی پایدارتر نسبت به دوره‌های پیشین بود. میانگین رشد تولید ناخالص داخلی در این دوره حدود ۴ تا ۵ درصد برآورد می‌شود که بیانگر بهبود عملکرد بخش‌های صنعت، خدمات و ساختمان است. افزایش درآمدهای نفتی از اواخر دهه ۱۳۷۰، همراه با سیاست‌های محتاطانه مالی و کنترل نقدینگی، موجب شد نرخ رشد اقتصادی در سطحی قابل قبول حفظ شود، در حالی که نرخ تورم روندی نزولی داشت و در پایان دوره به حدود ۱۰ درصد رسید (زمان زاده، ۱۳۹۸).

یکی از ویژگی‌های اصلی اقتصاد ایران در دوره خاتمی، ثبات در نرخ ارز و جلوگیری از نوسانات شدید قیمتی بود که اعتماد در بازار سرمایه و فعالیت‌های تولیدی را افزایش داد. دولت با اتخاذ سیاست‌های انضباط مالی و اجتناب از سیاست‌های انبساطی شدید، توانست میان عرضه و تقاضای کل توازن نسبی برقرار سازد و از بروز رکود یا تورم شدید جلوگیری کند. همچنین، سهم مالیات در تأمین بودجه عمومی اندکی افزایش یافت و وابستگی بودجه به نفت تا حدودی کاهش یافت، که نشانه‌ای از حرکت تدریجی به سوی اصلاح ساختار مالی دولت بود (تجارت فردا، ۱۳۹۳).

با این حال، با وجود ثبات اقتصادی و رشد مثبت، اصلاحات ساختاری در بخش‌های تولیدی و صنعتی به کندی پیش رفت و رشد اقتصادی همچنان به درآمدهای نفتی وابسته باقی ماند. این امر موجب شد تا توسعه اقتصادی کشور در این دوره از پایداری بلندمدت برخوردار نباشد (زمان زاده،

۱۳۹۸؛ تجارت فردا، ۱۳۹۳). در مجموع، می‌توان گفت که دولت خاتمی توانست با ایجاد ثبات در متغیرهای کلان، شرایط مساعدی برای رشد متوازن فراهم آورد، هرچند زمینه‌های اصلاح عمیق اقتصادی همچنان ناتمام باقی ماند.

در دولت محمد خاتمی (۱۳۷۶-۱۳۸۴) رشد اقتصادی ایران در مجموع مثبت و نسبتاً پایدار بود، اما همراه با چالش‌های ساختاری. بر اساس گزارش بانک مرکزی ایران، میانگین رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) در این دوره حدود ۴/۳ درصد بوده است (گزارش بانک مرکزی، ۱۳۸۴). همچنین درآمد سرانه واقعی از حدود ۴ میلیون ریال در سال ۱۳۷۶ به بیش از ۵/۵ میلیون ریال در سال ۱۳۸۳ افزایش یافت (بانک مرکزی، ۱۳۸۴).



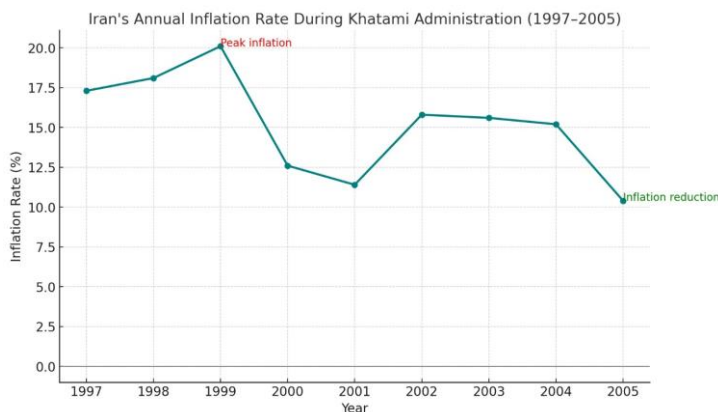
نمودار شماره ۵- بررسی رشد اقتصادی در دولت خاتمی

### تورم در دولت خاتمی

نرخ تورم در بازه زمانی ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ از حدود ۱۷ درصد به حدود ۱۵ درصد کاهش یافت که نشان‌دهنده کاهش جزئی است. نرخ تورم در این سال‌ها به شرح زیر بوده است: در سال ۱۳۷۶، ۱۷/۳ درصد؛ در سال ۱۳۷۷، ۱۸/۱ درصد؛ در سال ۱۳۷۸، ۲۰/۱ درصد؛ در سال ۱۳۷۹، ۱۲/۶ درصد؛ در سال ۱۳۸۰، ۱۱/۴ درصد؛ در سال ۱۳۸۱، ۱۵/۸ درصد؛ در سال ۱۳۸۲، ۱۵/۶ درصد؛ در سال ۱۳۸۳، ۱۵/۲ درصد و در سال ۱۳۸۴، ۱۰/۴ درصد. در این دوره، هرچند با تورم‌های شدید ۴۰ و ۵۰ درصدی مانند دوره قبل مواجه نیستیم، اما نرخ تورم همچنان رضایت‌بخش نیست و در سطح تورم

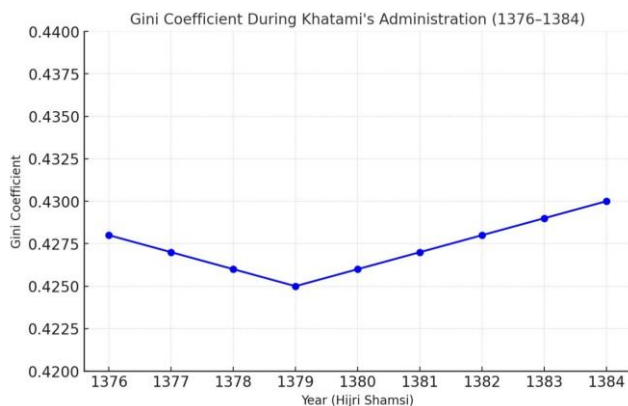
خزنده قرار دارد(محاسبه شده بر اساس اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران [tsd.cbi.ir](http://tsd.cbi.ir) به نقل از خرم نصر، ۱۳۸۹: ۳۶).

#### نمودار شماره ۵- بررسی وضعیت تورم در دولت سید محمد خاتمی

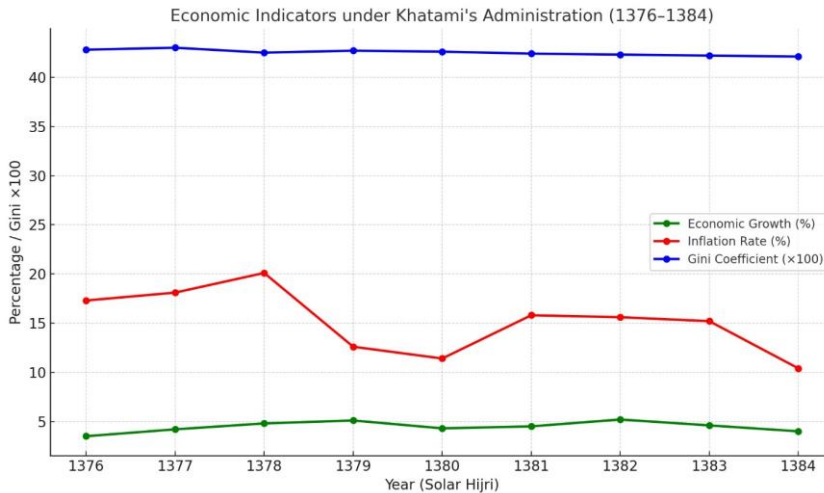


#### ضریب جینی در دولت خاتمی

ضریب جینی در دوران خاتمی در سطحی بوده است که نشان‌دهنده نابرابری درآمدی قابل توجه است، تقریباً ۰/۴۲ تا ۰/۴۳ بر اساس برخی گزارش‌ها. رقمی مثل ۰/۴۲۷ نشان‌دهنده این است که توزیع درآمدها به صورت کاملاً مساوی نبوده و دهک‌های بالاتر درآمد بیشتری داشته‌اند. کاهش قابل توجهی در نابرابری دیده نشده است، یا حداقل اطلاعات نشان نمی‌دهند که سیاست‌های دوران خاتمی توانسته‌اند ضریب جینی را به سطح بسیار پایین‌تر برسد؛ اگرچه ممکن است در برخی سال‌ها نوسان وجود داشته باشد(طبق آمار بانک مرکزی).



#### نمودار شماره ۴- بررسی ضریب جینی در دولت خاتمی



نمودار شماره ۵- بررسی سه شاخص رشد اقتصادی، تورم و ضریب جینی در دولت خاتمی

سیاست های اقتصادی دولت عدالت محور

سیاست های کلی اقتصادی

در سال ۱۳۸۴، محمود احمدی‌نژاد با رویکردی نوین در انتخابات ریاست جمهوری موفق به کسب پیروزی شد. او با انتقادی به مبانی نظری دولت‌های قبلی در زمینه توسعه و عملکرد اقتصادی آن‌ها، به نقد پرداخت و آن‌ها را به بی‌توجهی به مناطق مختلف کشور و کم‌توجهی به عدالت اقتصادی متهم کرد. بر این اساس، احمدی‌نژاد خواستار تغییرات اساسی در برنامه توسعه کشور، به‌ویژه برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸) که در دوران دولت قبلی طراحی و به تصویب مجلس رسیده بود، شد (ارزیابی کلی برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹). در این راستا، دولت اقدام به راه‌اندازی صندوق مهر امام رضا (ع)، طرح بنگاه‌های زودبازده، طرح مسکن مهر، توزیع سهام عدالت و طرح هدفمندسازی یارانه‌ها نمود. طبق گزارش مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری نشان‌دهنده روند کاهشی است که اجرای طرح‌هایی نظیر بنگاه‌های کوچک زودبازده، صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی و صندوق مهر امام رضا (ع) و همچنین بانک تعاون در این کاهش مؤثر بوده است (پژوهشکده مطالعات امنیتی، ۱۳۹۳). به طور کلی، در این دوره با وجود بهبود نسبی ضریب جینی و شاخص‌های توزیع درآمد، رشد اقتصادی در سال‌های ۸۴ تا ۹۱ بسیار متغیر، بی‌ثبات و نزولی بوده است. سایر شاخص‌های اقتصادی مهم مانند تورم، رشد نقدینگی و کاهش ارزش پول ملی نیز وضعیت مطلوبی ندارند. این روند نشان می‌دهد که

نگاه ساده‌انگارانه به عدالت و تلاش برای تحقق آن بدون توجه به ابعاد دیگر، باعث شده تا سایر شاخص‌های اقتصادی در وضعیت نامناسبی قرار گیرند و تحولی اساسی در ساختار اقتصادی کشور به وجود نیاید (فوزی، ۱۳۹۵: ۴۹-۴۸).

جدول شماره ۴- بررسی سیاست‌های اقتصادی دولت احمدی نژاد

تاثیر و ارزیابی	اقدامات و برنامه‌ها	محور سیاست اقتصادی
-توقف اجرای کامل برنامه چهارم توسعه- تمرکز بر عدالت اجتماعی و توسعه مناطق محروم	-تقد برنامه چهارم توسعه دولت قبلی- بازنگری و اصلاح برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۶)	بازنگری و اصلاح برنامه توسعه
-معرفی برنامه تحول اقتصادی- اجرای برنامه‌هایی مانند: ۱. صندوق مهر امام رضا (ع) ۲. طرح بنگاه‌های کوچک زودبازده ۳. طرح مسکن مهر ۴. توزیع سهام عدالت ۵. هدفمندسازی یارانه‌ها	-افزایش بهره‌وری اقتصادی- اصلاح ساختار مالیاتی- هدفمند کردن یارانه‌ها- اصلاح ساختار بانکی و گمرکی- ارزش‌گذاری پول ملی- اصلاح نظام توزیع کالا و خدمات	تحول اقتصادی
م بهبود نسبی ضریب جینی تا سال ۱۳۹۱- کاهش نسبی فاصله درآمدی بین دهک‌های درآمدی	-تمرکز بر کاهش شکاف طبقاتی- توزیع یارانه و سهام عدالت به اقشار کم‌درآمد- حمایت از مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته	عدالت اجتماعی و توزیع درآمد
-ارتقای شرایط اقتصادی و ایجاد فرصت شغلی در مناطق محروم	-اختصاص منابع به مناطق دورافتاده و کمتر توسعه‌یافته- اجرای طرح‌های عمرانی و اشتغال‌زا در مناطق محروم	توسعه مناطق محروم و عدالت منطقه‌ای
-رشد اقتصادی ناپایدار و نزولی: از ۶,۹٪ در سال اول تا -۱,۹٪ در سال آخر دولت- بی‌ثباتی در تولید ناخالص داخلی	-اجرای پروژه‌های بزرگ عمرانی و اقتصادی (مسکن مهر، بنگاه‌های کوچک زودبازده، سهام عدالت)	رشد اقتصادی
-افزایش تورم تا حدود ۳۹٪ در سال‌های پایانی- رشد سریع نقدینگی و کاهش ارزش پول ملی	-تامین مالی گسترده پروژه‌ها از طریق استقراض و افزایش نقدینگی	تورم و نقدینگی
-کاهش نرخ بیکاری در سال‌های میانی دولت- نقش مثبت طرح‌های بنگاه‌های کوچک و صندوق مهر امام رضا	-ایجاد فرصت‌های شغلی از طریق طرح‌های دولت و صندوق‌ها	کاهش بیکاری

سیاست مالی و بودجه‌ای	-افزایش هزینه‌های عمرانی و اجتماعی- افزایش استقراض از بانک مرکزی	-فشار بر نقدینگی و تورم- مشکلات بلندمدت در تراز بودجه دولت
سیاست صنعتی و تولیدی	حمایت از صنایع داخلی- توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط	-ایجاد اشتغال محدود- عدم دستیابی به رشد پایدار صنعتی
سیاست پولی و بانکی	-اصلاح ساختار بانکی- ارائه تسهیلات بانکی گسترده	-مشکلات ساختاری در سیستم بانکی- افزایش بدهی‌ها و رشد نقدینگی
سیاست تجارت و گمرک	-اصلاح ساختار گمرکی- تسهیل واردات و صادرات کالا	-تاثیر محدود بر تراز تجاری کشور
سیاست انرژی و منابع طبیعی	-افزایش بهره‌برداری از منابع انرژی و نفت- حمایت از پروژه‌های انرژی	-رشد مقطعی درآمدهای نفتی- وابستگی اقتصادی به نفت ادامه یافت
سیاست رفاه و مسکن	-اجرای طرح بزرگ مسکن مهر- گسترش دسترسی اقشار کم‌درآمد به مسکن	-پوشش بخشی از نیاز مسکن- نقدهایی به کیفیت و پایداری طرح

### رشد اقتصادی در دولت احمدی نژاد

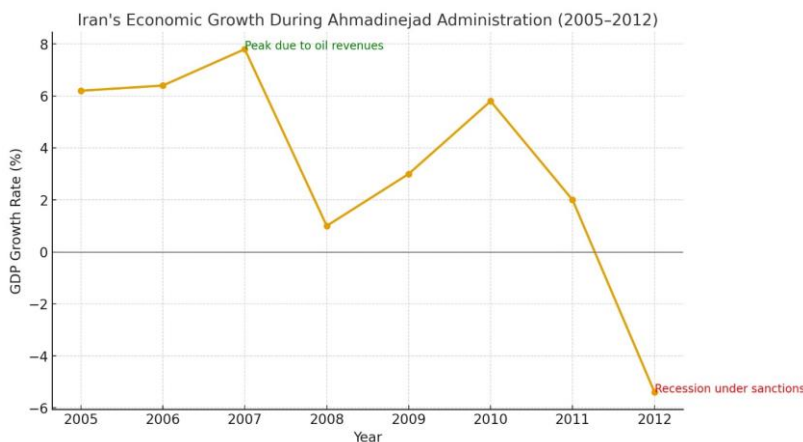
در دوره دولت محمود احمدی نژاد (۱۳۸۴-۱۳۹۲)، وضعیت رشد اقتصادی ایران با نوسانات شدید، وابستگی بالا به درآمدهای نفتی، و تأثیرپذیری گسترده از سیاست‌های مالی و تحریم‌های بین‌المللی همراه بود. در نیمه نخست این دوره، رشد اقتصادی نسبتاً مثبت و متکی بر افزایش بی‌سابقه درآمدهای نفتی بود؛ به طوری که درآمد نفت از حدود ۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۱ به بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار تا نیمه اول ۱۳۸۷ افزایش یافت. این افزایش درآمد موجب رشد مخارج دولت و اجرای سیاست‌های انبساطی شد که در کوتاه‌مدت، رشد تولید ناخالص داخلی را تقویت کرد. با این حال، رشد نقدینگی بالا - که در برخی سال‌ها به حدود ۴۰ درصد رسید - همراه با افزایش هزینه‌های جاری و واردات، به تورم و تضعیف تولید داخلی منجر شد (زمان زاده، ۱۳۹۸).

از سال ۱۳۸۸ به بعد، با تشدید تحریم‌های بین‌المللی، کاهش درآمدهای نفتی و نوسانات نرخ ارز، اقتصاد ایران با رکود قابل توجهی مواجه شد. کاهش شدید درآمد ارزی، افت بودجه عمرانی، محدود شدن واردات مواد اولیه، و وابستگی تولید به انرژی و واردات از جمله عوامل زمینه‌ساز رکود در این دوره بود (تجارت فردا، ۱۳۹۳). در گزارش‌های تحلیلی، دولت عوامل بروز رکود را در چهار دسته طبقه‌بندی کرده است: ضربه اولیه (تحریم و جهش قیمت انرژی)، عوامل انتشار (تأثیرات متقابل

بخش‌ها)، عوامل زمینه‌ساز (وابستگی ساختاری اقتصاد به نفت و بانک‌ها)، و عوامل انتقال‌دهنده در طول زمان (تضعیف تقاضا، کاهش سرمایه‌گذاری و بحران بانکی) (تجارت فردا، ۱۳۹۳).

در مجموع، رشد اقتصادی در دوره احمدی‌نژاد از وضعیت مثبت سال‌های ابتدایی به رکود در سال‌های پایانی تغییر جهت داد و در سال ۱۳۸۷ به حدود یک درصد کاهش یافت (زمان زاده، ۱۳۹۸). وابستگی بالای بودجه به نفت، سیاست‌های انبساطی بدون پشتوانه تولیدی، و ناتوانی در مقابله با شوک‌های خارجی و تحریم‌ها از مهم‌ترین عوامل این افت محسوب می‌شوند. تحلیل‌های اقتصادی نشان می‌دهد که خروج از این وضعیت نیازمند اصلاح ساختار مالی، تنوع‌بخشی به منابع درآمدی، و تقویت بخش تولیدی به‌جای تکیه بر نفت بوده است (تجارت فردا، ۱۳۹۳).

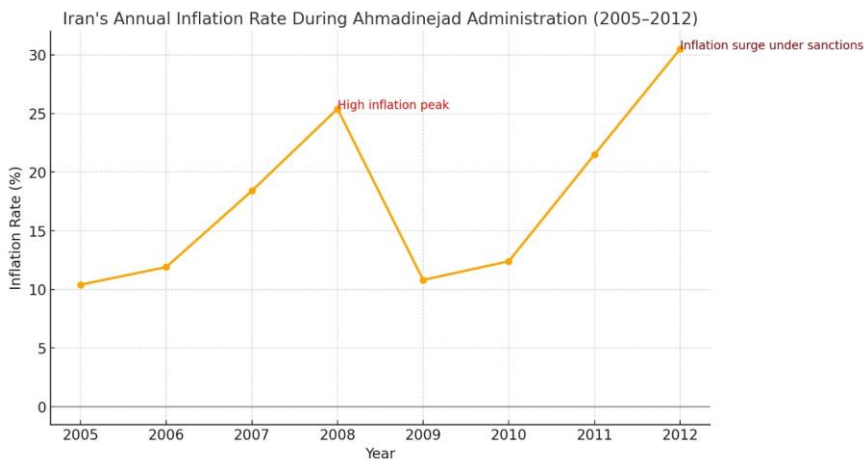
#### نمودار شماره ۷- رشد اقتصادی در دولت احمدی‌نژاد



#### تورم در دولت احمدی‌نژاد

بر اساس گزارش‌های رسمی، نرخ تورم آغاز دوره: در سال ۱۳۸۴، ابتدای دولت احمدی‌نژاد، تورم سالانه حدود ۱۰/۴ درصد بوده است. در سال ۱۳۸۵ به حدود ۱۱/۹ درصد، در سال ۱۳۸۶، نرخ تورم افزایش یافته و به ۱۸/۴ درصد رسیده است. همچنین در سال ۱۳۸۷، تورم سالانه حدود ۲۵/۴ درصد گزارش شده است. در سال ۱۳۸۸، این نرخ کاهش نسبی داشته و به حدود ۱۰/۸ درصد رسیده است. در سال ۱۳۸۹، حدود ۱۲/۴ درصد و در سال ۱۳۹۰، روند صعودی دوباره، با نرخ تورم سالانه ۲۱/۵ درصد بازگشته است. در سال ۱۳۹۱، تورم به ۳۰/۵ درصد رسیده و تا خرداد ۱۳۹۲، نرخ تورم ۱۲ ماهه منتهی به خرداد حدود ۳۵/۹ درصد گزارش شده است. میانگین تورم در کل دوره ۸ ساله دولت احمدی‌نژاد تقریباً ۱۹/۶۸ درصد بوده است (آمار بانک مرکزی).

## نمودار شماره ۸- بررسی نرخ تورم در دولت محمود احمدی نژاد

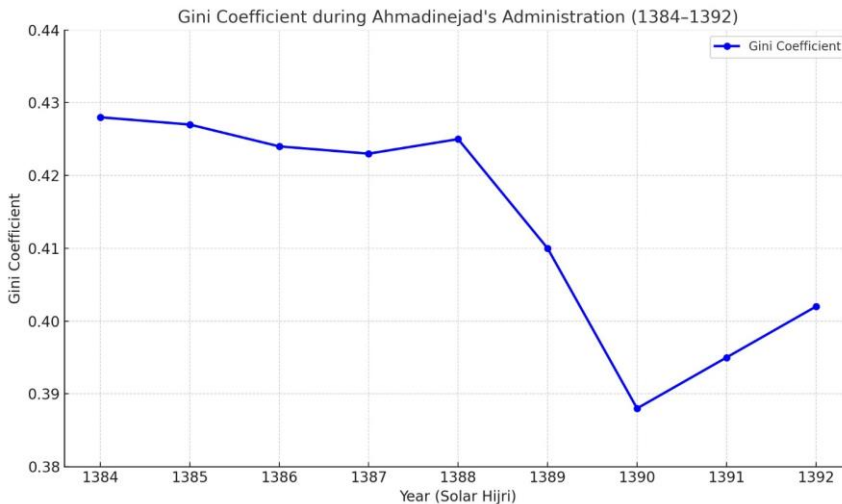


## ضرب جینی در دولت احمدی نژاد

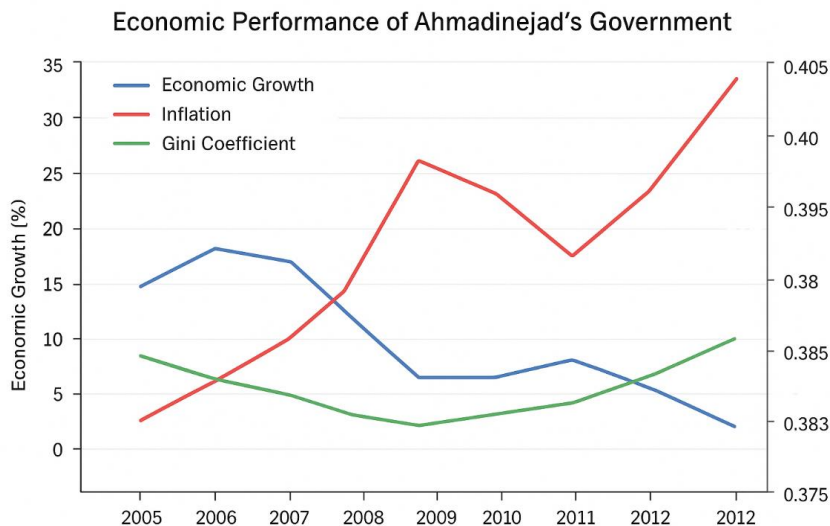
ضرب جینی معیاری است که وضعیت نابرابری درآمدی را نشان می‌دهد و هرچه این ضرب بالاتر باشد، نابرابری شدیدتر است. میانگین این ضرب در دولت‌های یازدهم، نهم، ششم و پنجم تقریباً مشابه بوده است. کمترین میزان نابرابری بر اساس ضرب جینی در دولت دهم مشاهده شده و بالاترین آن مربوط به دولت هشتم است. کاهش ضرب جینی در دولت دهم از سال ۱۳۸۶ آغاز شده و به جز یک افزایش در سال ۱۳۸۸، تا سال ۱۳۹۰ روند کاهشی ادامه داشته است. کاهش قابل توجه ضرب جینی در سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ به دلیل اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و توزیع یارانه نقدی به طور یکسان بین خانواده‌های ایرانی بوده است. از آنجا که یارانه پرداختی به تمامی گروه‌های درآمدی یکسان بوده، این یارانه به ویژه وضعیت دهک‌های پایین درآمدی را نسبت به دهک‌های بالاتر بهبود بخشیده است، زیرا این دهک‌ها سهم بیشتری از درآمدها را دارند و هزینه‌های آن‌ها به طور ناگهانی افزایش قابل توجهی یافته است. با این حال، اثرات این بهبود در توزیع درآمد به تدریج با افزایش تورم ناشی از آن، کاهش یافته است. نسبت هزینه‌های خوراکی به کل هزینه‌های خانوار یکی از معیارهای مهم برای سنجش رفاه خانوار به شمار می‌آید و کاهش این نسبت نشان‌دهنده بهبود وضعیت رفاهی خانوار است. این نسبت از اواسط دولت ششم به تدریج کاهش یافته و در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ به پایین‌ترین سطح خود رسید. پس از این دو سال، این نسبت دوباره افزایش یافت و با وجود ضرب جینی، رفاه خانوار از سال ۱۳۸۶ به بعد به طور قابل توجهی کاهش یافته است. تنها در دولت دهم، وضعیت رفاهی خانوار در پایان دوره بدتر از ابتدای آن بوده و در سایر دولت‌ها این

روند کاهشی ادامه داشته است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶).

نمودار شماره ۸- بررسی وضعیت ضریب جینی در دولت احمدی نژاد



نمودار شماره ۹- بررسی سه شاخصه رشد اقتصادی، تورم و ضریب جینی در دولت احمدی نژاد



جدول تطبیقی سه دولت

جدول شماره ۵- بررسی سیاست‌های اقتصادی سه دولت سازندگی، اصلاحات و عدالت محور

شاخص / دولت	سازندگی (هاشمی)	اصلاحات (خاتمی)	عدالت محور (احمدی نژاد)
رویکرد کلان	آزادسازی و تعدیل اقتصادی	تثیش‌زدایی و توسعه سیاسی-اقتصادی	عدالت محور
رشد اقتصادی	حدود ۶٪ (بالا ولی وابسته به نفت)	حدود ۴,۳٪ (پایدارتر)	بی‌ثبات، از ۶,۹٪ تا -۱,۹٪
تورم	بسیار بالا (تا ۴۹٪)	متوسط (۱۵٪)	بسیار بالا (تا ۳۹٪)
عدالت اجتماعی (ضریب جینی)	۰,۳۷-۰,۳۵ (شکاف متوسط)	۰,۴۳-۰,۴۲ (شکاف زیاد)	بهبود تا ۱۳۹۱، سپس افزایش
سیاست مالی	بلدهی خارجی و وام‌های کلان	انضباط مالی نسبی، صندوق ذخیره ارزی	استفراض، افزایش نقدینگی
جایگاه در اقتصاد مقاومتی	تمرکز بر بازسازی، ولی مصرف‌گرایی و وابستگی بالا	ایجاد ثبات نسبی و صندوق ذخیره ارزی، اما نابرابری پابرجا	حمایت معیشتی کوتاه‌مدت، اما تورم و رشد منفی

جدول شماره ۶- مطالعه و ارزیابی تطبیقی سیاست‌های اقتصادی سه دولت در چارچوب اقتصاد مقاومتی

محور سیاستی	اقدامات کلیدی (دولت سازندگی)	اقدامات کلیدی (دولت اصلاحات)	اقدامات کلیدی (دولت عدالت محور)	ارزیابی در چارچوب اقتصاد مقاومتی
آزادسازی اقتصادی	کاهش نقش دولت، گسترش بخش خصوصی، لغو انحصارات	ادامه آزادسازی اقتصادی، تقویت بخش خصوصی و تشویق رقابت	کنترل قیمت‌ها و بازار، محدودسازی برخی واردات، تقویت تولید داخلی	همسو با اصل «مردمی‌سازی اقتصاد»؛ اما در دولت سازندگی ضعف حمایت داخلی، در دولت اصلاحات تلاش برای تعادل و در دولت عدالت‌محور بیشتر توجه به «حمایت از تولید» مشهود است

<p>خصوصی‌سازی</p>	<p>واگذاری صنایع دولتی به بخش خصوصی</p>	<p>ادامه واگذاری‌ها، تمرکز بر اصلاح ساختار بنگاه‌ها</p>	<p>اجرای سیاست‌های هدفمندسازی، اما با نظارت دولت</p>	<p>همسو با اصل «کاهش نقش دولت»؛ در دولت اصلاحات با تاکید بر شفافیت، در دولت عدالت‌محور با تاکید بر عدالت اجتماعی همراه شد</p>
<p>سیاست‌های ارزی</p>	<p>چندنرخی بودن ارز، حرکت به سمت تکنرخی، کاهش ارزش پول ملی</p>	<p>حرکت به سمت تکنرخی شدن، ثبات نرخ ارز</p>	<p>تثبیت نرخ ارز، کنترل بازار ارز</p>	<p>تکنرخی شدن و شفافیت همسو با اصول اقتصاد مقاومتی؛ دولت عدالت‌محور توجه بیشتری به ثبات و حمایت از تولید داخلی داشته است</p>
<p>تجارت خارجی و واردات</p>	<p>آزادسازی واردات، توسعه صادرات غیرنفتی، ایجاد مناطق آزاد</p>	<p>تشویق صادرات غیرنفتی، کنترل واردات برای حمایت از تولید داخلی</p>	<p>تقویت صادرات، محدودیت واردات غیرضروری، حمایت از تولید داخلی</p>	<p>صادرات غیرنفتی همسو با «برون‌گرایی»؛ اما آزادسازی واردات در دولت سازندگی متعارض با «درون‌زایی» بود، اصلاحات تلاش برای توازن داشت و دولت عدالت‌محور بیشتر همسو با «حمایت از تولید» بود</p>
<p>جذب سرمایه‌گذاری خارجی</p>	<p>افزایش سهم مشارکت خارجی، تضمین بازگشت سرمایه</p>	<p>تقویت سرمایه‌گذاری خارجی با تاکید بر انتقال فناوری</p>	<p>جذب سرمایه‌گذاری با کنترل و اولویت دادن به صنایع استراتژیک</p>	<p>همسو با اصل «برون‌گرایی»؛ دولت اصلاحات تاکید بر انتقال فناوری داشت و دولت عدالت‌محور بیشتر توجه به استقلال فناوری داشت</p>
<p>کاهش یارانه‌ها و</p>	<p>حذف تدریجی</p>	<p>تعديل ساختاری</p>	<p>هدفمندسازی</p>	<p>مغایر با «عدالت‌محوری»</p>

سیاست تعدیل	یارانه‌ها، سیاست‌های شوک‌درمانی	همراه با هدفمندسازی یارانه‌ها	یارانه‌ها و حمایت از اقشار کم‌درآمد	در دولت سازندگی؛ دولت اصلاحات تلاش برای هدفمندسازی داشت و دولت عدالت‌محور سیاست‌های حمایتی را در اولویت قرار داد
اصلاح نظام مالیاتی	افزایش سهم مالیات از GDP، تقویت پایه‌های مالیاتی	اصلاح ساختار مالیاتی، کاهش فرار مالیاتی	تقویت مالیات بر عایدی و مالیات بر مصرف	همسو با «درون‌زایی» دولت عدالت‌محور تاکید بر عدالت مالیاتی داشت
بازسازی و توسعه زیرساخت‌ها	تمرکز بر انرژی، حمل‌ونقل، صنایع آسیب‌دیده	توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، حمل‌ونقل و انرژی	توسعه زیرساخت‌ها با اولویت مناطق محروم	همسو با اصول اقتصاد مقاومتی در توانمندسازی زیرساخت‌های داخلی
سیاست‌های جمعیتی و اجتماعی	کنترل رشد جمعیت، ارتقای سواد	تمرکز بر توسعه نیروی انسانی و آموزش	حمایت از جمعیت جوان، اشتغال و آموزش	توجه به «جمعیت پویا» دولت سازندگی با سیاست کنترل جمعیت متعارض جزئی بود، اصلاحات و عدالت‌محور بیشتر همسو با توسعه جمعیت فعال بودند

### نتیجه‌گیری

امروزه یکی از مؤثرترین عوامل در توسعه اقتصادی کشورها، سیاست‌های دولت‌ها است؛ به‌گونه‌ای که از گذشته تاکنون دولت‌ها بخش مهمی از توجه خود را به اصلاح ساختارهای اقتصادی و تحقق توسعه معطوف کرده‌اند. جمهوری اسلامی ایران نیز، پس از دوران جنگ تحمیلی، در چارچوب اندیشه‌ی اقتصاد مقاومتی، مسیر توسعه اقتصادی را دنبال نموده و تلاش داشته است این الگو را در سیاست‌گذاری‌های کلان خود اجرایی سازد.

پژوهش حاضر با رویکرد تطبیقی و اسنادی، سیاست‌های اقتصادی سه دولت پس از جنگ

تحمیلی یعنی دولت‌های سازندگی، اصلاحات و عدالت‌محوری را در چارچوب اقتصاد مقاومتی بررسی کرد و تلاش نمود تا میزان همخوانی این سیاست‌ها با اصول اقتصاد مقاومتی را از طریق سه شاخص کلیدی رشد اقتصادی، تورم و ضریب جینی ارزیابی نماید.

در خصوص رشد اقتصادی می‌توان گفت که دولت سازندگی (۱۳۷۶-۱۳۶۸)، رشد اقتصادی بالا در سال‌های نخست (میانگین حدود ۵-۶٪) به دلیل بازسازی پس از جنگ و افزایش سرمایه‌گذاری عمرانی. با این حال، در اواخر دوره به دلیل بدهی خارجی و فشارهای تورمی، روند کندی را در پیش گرفت. دولت اصلاحات (۱۳۷۶-۱۳۸۴)، رشد اقتصادی نسبتاً پایدارتر بود و میانگین رشد حدود ۴-۵٪ ثبت گردید. این دوره شاهد ثبات نسبی و جذب سرمایه خارجی بیشتر بود. دولت احمدی‌نژاد (۱۳۸۴-۱۳۹۲)، رشد اقتصادی در نیمه اول بالا (۶-۷٪) بود به‌واسطه‌ی درآمدهای نفتی، اما در نیمه دوم با تحریم‌ها و سیاست‌های ناکارآمد، اقتصاد با رکود سنگین مواجه شد و حتی رشد منفی (حدود منفی ۷٪ در ۱۳۹۱) ثبت شد. رشد اقتصادی در دولت خاتمی باثبات‌تر، در دولت هاشمی پرتاب ولی نوسانی، و در دولت احمدی‌نژاد پرنوسان و وابسته به نفت بود.

در خصوص تورم نیز می‌توان گفت که دولت سازندگی، تورم بسیار بالا، به‌ویژه در اوایل دهه ۷۰ (بیش از ۴۹٪ در سال ۱۳۷۴). میانگین تورم این دوره حدود ۲۴٪ بود. دولت اصلاحات، تورم در این دوره کنترل شد و میانگین حدود ۱۵-۱۶٪ بود. این دوره یکی از مقاطع نسبتاً آرام تورمی پس از انقلاب محسوب می‌شود. دولت احمدی‌نژاد، تورم ابتدا با تزریق درآمدهای نفتی کنترل شد، اما از ۱۳۸۷ به بعد به شدت افزایش یافت و در سال ۱۳۹۲ به حدود ۳۴٪ رسید. میانگین تورم این دوره بالاتر از دولت خاتمی و تقریباً نزدیک به دولت سازندگی بود. تورم در دولت خاتمی کمترین و در دولت احمدی‌نژاد در سال‌های پایانی بیشترین شدت را داشته است.

در مورد ضریب جینی (نابرابری درآمدی) نیز، دولت سازندگی: ضریب جینی حدود ۰,۴۲-۰,۴۳، به دلیل رشد سرمایه‌گذاری عمرانی و آزادسازی اقتصادی، اما بدون توزیع متوازن درآمد. دولت اصلاحات: ضریب جینی تقریباً ثابت و در محدوده ۰,۴۲-۰,۴۳، باقی ماند، بنابراین اصلاح قابل توجهی در کاهش نابرابری ایجاد نشد. دولت احمدی‌نژاد: ضریب جینی در نیمه اول کاهش یافت (تا حدود ۰,۳۸-۰,۳۹) به دلیل سیاست‌های یارانه‌ای و افزایش دسترسی دهک‌های پایین به منابع. اما این کاهش پایدار نبود و با تورم و رکود مجدد، اثرات مثبت آن کمرنگ شد. دولت احمدی‌نژاد در کاهش اولیه نابرابری موفق‌تر از دو دولت قبلی بود، اما سیاست‌های توزیعی او پایدار و کارآمد نبودند. در خصوص

رشد اقتصادی، پایدارترین رشد در دولت خاتمی، پرنوسان‌ترین رشد در دولت احمدی‌نژاد. تورم، پایین‌ترین میانگین در دولت خاتمی، بالاترین قله‌ها در دولت سازندگی و احمدی‌نژاد. نابرابری، بیشترین نابرابری در دولت‌های هاشمی و خاتمی، کاهش نسبی در احمدی‌نژاد اما نه پایدار.

نتایج تحلیل نشان می‌دهد که هر سه دولت با انگیزه و رویکرد متفاوت، سعی در تحقق اهداف توسعه اقتصادی داشته‌اند، اما در عمل با محدودیت‌ها و چالش‌های ساختاری، نهادی و بین‌المللی مواجه بوده‌اند که مانع از تحقق کامل اصول اقتصاد مقاومتی شد.

در دولت سازندگی، رشد اقتصادی چشمگیر بود و بازسازی زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های عمرانی توانست پایه‌های اقتصادی کشور را پس از جنگ مستحکم کند، اما تورم بالا و افزایش نابرابری درآمدی، پیامدهایی ناخواسته از این سیاست‌ها بود. دولت اصلاحات با تمرکز بر ثبات اقتصادی، کنترل تورم و توسعه بخش خصوصی، توانست رشد اقتصادی نسبتاً پایدار و شرایط مالی باثبات‌تری ایجاد کند، اما تغییر قابل توجهی در بهبود عدالت اجتماعی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی حاصل نشد. در دولت عدالت‌محوری، اقدامات توزیعی و اجرای طرح‌های اجتماعی نظیر یارانه‌ها و سهام عدالت باعث کاهش نسبی نابرابری شد، اما نوسانات شدید در رشد اقتصادی، افزایش تورم و کسری بودجه نشان داد که اجرای سیاست‌ها بدون اصلاحات ساختاری، پایدار نبوده و اثرات بلندمدت قابل توجهی نداشت.

تحلیل تطبیقی این سه دولت نشان می‌دهد که برای تحقق اقتصاد مقاومتی، صرفاً اجرای پروژه‌های اقتصادی یا برنامه‌های کوتاه‌مدت کافی نیست و لازم است سیاست‌های کلان اقتصادی با رویکرد بلندمدت، تمرکز بر اصلاح ساختارها، تقویت تولید ملی، کاهش وابستگی به منابع خارجی، حمایت از فناوری و نخبگان و مدیریت پایدار منابع مالی و انسانی طراحی شود. از سوی دیگر، توجه به عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه درآمد، جزو لاینفک تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی است و بدون آن، رشد اقتصادی به معنای واقعی نمی‌تواند پایدار و موثر باشد.

در مجموع، این پژوهش نشان داد که سیاست‌های اقتصادی هر سه دولت، با وجود دستاوردهای نسبی، نتوانستند تمام شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی را تحقق بخشند و استمرار و پایداری توسعه اقتصادی در ایران همچنان نیازمند طراحی سیاست‌های جامع، علمی و با نگاه بلندمدت بود و پیامدهایی همچون افزایش شکاف طبقاتی و برهم خوردن توازن اجتماعی را نیز در جامعه ایران به‌وجود آورده است.

## منابع

- احمدی، علی (۱۳۹۴). تحلیل مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در بیانیه مقام معظم رهبری، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- اسدی، محمد؛ کاظمی، علی‌رضا (۱۳۹۸). تحلیل سیاست‌های اقتصادی دولت اصلاحات، اقتصاد و توسعه، ۳۴ (۲)، ۲۳-۴۵.
- اسفندیارصفا، محمد؛ حسینی، رضا؛ عباسی، نرگس (۱۳۹۵). شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری، مطالعات اقتصادی اسلامی، ۷ (۲)، ۴۵-۶۸.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱). گزارش عملکرد اقتصادی دولت احمدی‌نژاد، تهران: بانک مرکزی.
- تجارت فردا (۱۳۹۳). رکود اقتصادی: گذشته، حال و آینده، ۹۵.
- حجتی، محمد؛ احمدی، علی؛ کریمی، کاظم (۱۳۹۵). اقتصاد ایران در دوره سازندگی، تهران: نشر نی.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲). بیانات در خصوص اقتصاد مقاومتی، تهران: دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب اسلامی.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تهران: دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸). بیانات در دیدار جمعی از تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی.
- حسینی، مهدی (۱۳۹۷). اقتصاد مقاومتی و چالش‌های توسعه اقتصادی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- خرمنصر، محمد (۱۳۸۹). تحلیل شاخص‌های کلان اقتصادی ایران در دوره‌های مختلف دولت‌ها، تهران: اقتصاد ایران، ۱۵ (۳)، ۲۳-۴۸.
- خرم نصر، مهرداد (۱۳۸۹). بررسی توسعه اقتصادی در ایران (۱۳۸۷-۱۳۸۸) در پرتو نظریه دولت توسعه‌گرای آدریان لف ویچ، مازندران: دانشگاه مازندران، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- رضایی، فرشاد (۱۴۰۰). تحلیل تطبیقی سیاست‌های اقتصادی دولت‌های اخیر ایران، توسعه اقتصادی، ۲۹ (۱)، ۴۵-۶۷.
- زمان زاده، حمید (۱۳۸۹). یک دهه عملکرد اقتصاد ایران در آینه شاخص‌های کلان اقتصادی، تازه‌های اقتصاد، ۱۲۹.
- سازمان ملل متحد (۲۰۱۵). گزارش توسعه اقتصادی جهانی، آمریکا: نیویورک.

سیف، علی (۱۳۷۶). *اقتصاد سیاسی ایران در قرن بیستم*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی. علی‌زاده، رضا؛ رضایی، فرهاد؛ محمودی، سارا (۱۴۰۱). *اقتصاد مقاومتی: نظریه و سیاست*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

کرمی، سعید (۱۳۹۶). *اقتصاد سیاسی ایران*، تهران: نشر نگاه معاصر.

گیلپین، رابرت (۱۳۷۸). *اقتصاد سیاسی جهانی: روابط میان دولت و بازار*، ترجمه حسین نصر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

مارش، دیوید؛ استوکر، جری (۱۳۹۰). *روش و نظریه در علوم سیاسی*، مترجم: امیر محمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ چهارم.

محمدی، حسین (۱۳۹۴). *بررسی سیاست‌های اقتصادی دولت سازندگی در پرتو اقتصاد مقاومتی*، سیاست و اقتصاد، ۱۱۲(۱)، ۵۶-۷۸.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۶). *گزارش تحلیلی درباره روند توسعه اقتصادی ایران*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

میرمعزی، سید حسین؛ شخم‌گر، حمید (۱۴۰۳). *اهداف و اصول نظام اقتصادی اسلام از منظر حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)*، پژوهشنامه فقه و علوم اسلامی، ۳(۱۱)، ۷۷-۱۰۶.

یوسفی، احمد علی (۱۳۹۵). *مبانی و مدل‌های مشارکت مردمی در اقتصاد مقاومتی*، شهرکرد: نشر مقاومت.

یوسفی، محمد (۱۳۹۵). *اقتصاد مقاومتی در گفتمان رهبری و شاخص‌های آن*، پژوهشنامه اقتصاد اسلامی، ۱۱(۱)، ۲۱-۳۸.

نوری، فرهاد، رضوانی، پرویز (۱۳۹۳). *بررسی آثار اقتصادی سیاست‌های دولت احمدی‌نژاد*، پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۱(۳)، ۹۹-۱۲۱.

Amartya Kumar Sen. (1999). *Development as Freedom*. New York: Oxford University Press.

Clifford Thomas & Michael Levin. (2001). *Economic Growth and Development in the Global Context*. Cambridge: Cambridge University Press.

Donald Snodgrass. (2005). *Economic Development: Theory and Practice*. London: Routledge.

MPRA Paper, \*An Analysis of Iran's Third Five-Year Development Plan\*, 2013.